



ملی‌گرایی در مقابل فشار خلع سلاح

تلاش حزب‌الله برای خروج از فشارهای داخلی
در آستانه انتخابات ۲۰۲۶
به ملی‌گرایی اسلام‌گرایانه ختم خواهد شد



AP-کنس

۲۰۲۴، اسرائیل و حزب‌الله با آتش‌بس موافقت کردند. این آتش‌بس به‌طور ضمنی به اسرائیل اجازه حمله به اهداف حزب‌الله را می‌داد، زیرا اسرائیل معتقد بود که مکانیسم نظارتی تشکیل‌شده توسط ایالات متحده، فرانسه، لبنان، اسرائیل و نیروی موقت سازمان ملل متحد در لبنان، حزب‌الله را به‌طور مؤثر خلع سلاح نمی‌کند. در نتیجه، اسرائیل به‌طور معمول عملیات نظامی، از جمله حملات به پایگاه‌های حزب‌الله در بقاع و بیروت و عملیات‌های ترور را برای تضعیف حزب‌الله و جلوگیری از بازسازی مجدد زرادخانه‌های تسلیحاتی این گروه انجام داده و می‌دهد. به موازات ادامه حملات اسرائیل که با ادعای جلوگیری از تلاش حزب‌الله برای تجدید تسلیحاتش در ماه‌های اخیر، انجام می‌شود، درخواست‌های داخلی و بین‌المللی برای خلع سلاح حزب‌الله تشدید شده است. علاوه بر این، پس از آتش‌بس، برخی از لبنانی‌ها، از جمله مقامات سیاسی، خواستار پایان ممنوعیت مطرح شدن گفتمان سیاسی در مورد عادی‌سازی روابط با اسرائیل شده‌اند. برای مثال پائولا هاگوپیان، نماینده اصلاح‌طلب مجلس لبنان و ولید بارینی، نماینده طرفدار عربستان سعودی، اظهاراتی در این خصوص مطرح کرده‌اند که تا حدودی منعکس‌کننده احساسات بخشی از افکار عمومی لبنان در مورد تعامل با اسرائیل است. علاوه بر این، درخواست‌ها برای خلع سلاح کامل حزب‌الله و تبدیل شدن این گروه به یک حزب سیاسی در داخل لبنان، از سوی متحدان مسیحی سابق حزب‌الله مانند جنبش میهنی آزاد، افزایش یافته است. این تغییری در جهت‌گیری سیاسی نسبت به حزب‌الله نسبت به شرایط قبل از جنگ است. قبل از جنگ با اسرائیل، تعداد کمی از چهره‌ها و گروه‌های سیاسی در داخل لبنان مایل بودند جایگاه حزب‌الله را به عنوان یک گروه نظامی و سیاسی قدرتمند به چالش بکشند.

❖ حزب‌الله چه خواهد کرد؟

استراتژی حزب‌الله احتمالاً بر ادامه مخالفت گزینشی با دیپلماسی اسرائیل و لبنان متمرکز خواهد بود. این استراتژی موجب خواهد شد تا پیشرفت دیپلماتیک محدودی در مسائلی مانند تعیین مرز لبنان و اسرائیل، تا پیش از انتخابات ۲۰۲۶ لبنان فراهم شود. پیشرفت دیپلماتیک از هر نوع بین اسرائیل و لبنان، با توجه به بالانس فرقه‌ای ظریف و شکننده در لبنان و توانایی حزب‌الله در اثرگذاری بر فضای امنیتی لبنان به وسیله اعتراضات و اقدامات مسلحانه، به‌طور حتم مستلزم اجماع نظر دولت لبنان و حزب‌الله خواهد بود. دولت لبنان هنوز هم نمی‌تواند بدون جلب نظر حزب‌الله دست به اقدامات رادیکال و ناگهانی بزند. بالانس فرقه‌ای در لبنان با یک اشتباه کوچک محاسباتی ممکن است به کلی از بین برود و لبنان درگیر خصومت‌های فرقه‌ای شود. در نتیجه، دیپلمات‌های آمریکایی، اسرائیلی و لبنانی مجبور خواهند شد بر حوزه‌های مورد اجماعی که خارج از مخالفت‌های حزب‌الله است، تمرکز کنند تا هیچ اقدامی لزوماً منوط به

قاسم، دبیرکل حزب‌الله این بود که تا زمانی که اشغال باشد و تا زمانی که اسرائیل جنوب لبنان را در اشغال خود داشته باشد، حزب‌الله به عنوان یک گروه مقاومت سلاحش را زمین نخواهد گذاشت. نعیم قاسم انتقادات تندی را نیز نسبت به کم‌کاری دولت لبنان در اعمال فشار بر اسرائیل برای خروج از لبنان و توقف حملاتش مطرح کرده بود. حالا دولت لبنان به این نتیجه رسیده اگر اسرائیل از جنوب لبنان خارج شود و حملاتش را نیز متوقف کند، انتقادات و استدلال‌های نعیم قاسم نیز بلاموضوع خواهند شد. تام باراک، فرستاده ویژه ایالات متحده، در تاریخ هفتم جولای اعلام کرده که به شکلی «باورنکردنی» از پاسخ لبنان به پیشنهاد آمریکا راضی است. ظاهراً او در دیدار با مقامات لبنانی خواستار تدوین راهبردی شده که باعث شود حزب‌الله به جای عضویت در محور مقاومت به رهبری ایران، به یک حزب سیاسی معمولی در عرصه سیاست داخلی لبنان تبدیل شود. اما نشانه‌هایی نیز وجود دارند که ثابت می‌کنند حزب‌الله لبنان با سرعتی که آمریکا و اسرائیل خواهان آن هستند، با خلع سلاح موافقت نخواهد کرد. شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله، در ششم جولای گفت که حزب‌الله تا زمانی که اسرائیل طبق توافق آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۴، عقب‌نشینی خود از جنوب لبنان را تکمیل نکند، چنین مسیری را در نظر نخواهد گرفت.

بانک جهانی تخمین می‌زند که خصوصت‌ها بین اسرائیل و حزب‌الله از سال ۲۰۲۳ تا سال ۲۰۲۴ تقریباً ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای لبنان هزینه داشته است. این مبلغ غیر از نیازهای گسترده لبنان برای دریافت کمک جهت خروج از بحران‌های اقتصادی، سوءمدیریت سیاسی و تبعات انفجار بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ است. مقامات آمریکایی و اسرائیلی ابراز خوش‌بینی کرده‌اند که خسارات اخیر که به حزب‌الله وارد شده، موجب شود این گروه تحت فشار قرار گیرد تا از مواضع کوتاه‌باید و درگیری‌های مکرر بین اسرائیل و لبنان پایان یابد. به عبارت دیگر، حزب‌الله در طول جنگ بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ با اسرائیل، به واسطه ترور سیدحسن نصرالله، ترور برخی از فرماندهان نخبه‌اش و تخلیه یا نابودی بخشی از زرادخانه بزرگ موشکی و راکتی، متحمل خسارات نظامی و مالی قابل توجهی شد. سقوط بشار اسد، در سوریه که در دسامبر سال ۲۰۲۴ رخ داد، مسیر تدارکاتی مستقیم حزب‌الله با متحد اصلی‌اش، ایران را قطع کرد و همین امر موجب شد تا حزب‌الله نتواند پس از جنگ به سرعت خود را بازسازی کند. کمپین نظامی مشترک ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران نیز نشان داد که حزب‌الله لبنان عملاً توان مداخله در این دینامیک درگیری را ندارد چراکه حزب‌الله لبنان تنها به‌صورت یک بیانیه محکومیت در خصوص حملات آمریکا و اسرائیل به ایران بسنده کرد و در دفاع از ایران هیچ مشارکت نظامی صورت نداد.

بعد از جنگ با اسرائیل، اولویت حزب‌الله این‌گونه بوده که موقعیت خود را در لبنان در میانه فشارهای داخلی و بین‌المللی برای خلع سلاح یهپود ببخشد. در ماه نوامبر

**استراتژی حزب‌الله
احتمالاً بر ادامه
مخالفت گزینشی با
دیپلماسی اسرائیل
و لبنان متمرکز
خواهد بود. این
استراتژی موجب
خواهد شد تا
پیشرفت دیپلماتیک
محدودی در
مسائلی مانند
تعیین مرز لبنان و
اسرائیل، تا پیش از
انتخابات ۲۰۲۶
لبنان فراهم شود.**

**پیشرفت دیپلماتیک
از هر نوع بین
اسرائیل و لبنان،
با توجه به بالانس
فرقه‌ای ظریف و
شکننده در لبنان
و توانایی حزب‌الله
در اثرگذاری بر
فضای امنیتی لبنان
به وسیله اعتراضات
و اقدامات
مسلحانه، به‌طور
حتم مستلزم اجماع
نظر دولت لبنان و
حزب‌الله خواهد
بود. دولت لبنان
هنوز هم نمی‌تواند
بدون جلب نظر
حزب‌الله دست به
اقدامات رادیکال و
ناگهانی بزند**

آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل



موعد برگزاری انتخابات سراسری لبنان در سال ۲۰۲۶ نزدیک شده است. در چنین شرایطی حزب‌الله لبنان به عنوان یک گروه نظامی و سیاسی در این کشور به‌طور طبیعی در تلاش است تا چهره و توان خود را بازسازی کرده و خود را به عنوان یک جنبش مقاومت ملی گرا تصویر کند. این رویکرد حزب‌الله کاملاً طبیعی است. جنگ اخیر اسرائیل و حزب‌الله آسیب‌های زیادی به این گروه وارد کرد. فرماندهان و رهبران حزب‌الله ترور شدند، اسرائیل بسیاری از مواضع زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله در دره بقاع، جنوب لبنان و جنوب بیروت را بمباران کرد و آتش‌بسی که بعد از این جنگ به حزب‌الله تحمیل شد، مسیر را برای اعمال فشارهای بیشتر سیاسی و نظامی از جمله تاکید بر خلع سلاح حزب‌الله باز کرد. در چنین شرایطی طبیعی است که این گروه به دنبال اجرای یک استراتژی ملی‌گرایی تقویت‌شده برای ایجاد بالانس در سیاست داخلی و خنثی کردن تلاش‌های آمریکا و اسرائیل و دولت نواف سلام برای خلع سلاح حزب‌الله باشد. به‌طور طبیعی، یکی از الزامات این استراتژی ملی‌گرایانه این است که احتمال مداخله حزب‌الله در هر نوع درگیری احتمالی اسرائیل و ایران در آینده کاهش یابد. حزب‌الله نمی‌تواند یک استراتژی ملی‌گرایانه در پیش بگیرد اما در عین حال به نفع یک کشور دیگر به نام ایران، هر چقدر هم به آن نزدیک باشد، وارد جنگ شود. اکثریت مردم لبنان چنین چیزی را نخواهند پذیرفت و این اقدام با اصل و اساس ملی‌گرایی هم در تضاد است. این استراتژی البته یک چالش نیز برای حزب‌الله به همراه خواهد داشت و آن اینکه خطر جنگ با اسرائیل را افزایش خواهد داد.

پس از جنگ دوازده‌روزه بین اسرائیل و ایران، دیپلمات‌های آمریکایی و اسرائیلی تلاش‌هایشان را برای تضعیف حزب‌الله و بهبود روابط اسرائیل و دولت لبنان شدت بخشیدند. در همین راستا، ایالات متحده پیشنهاد داد که دولت لبنان بپذیرد در ازای عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق جنوبی و پایان حملات اسرائیل به این کشور، تلاشش را برای خلع سلاح حزب‌الله تشدید کند. بررسی اخبار نشان می‌دهد که ظاهراً دولت نواف سلام به این پیشنهاد آمریکا پاسخ مثبت داده است. استدلال دولت لبنان این است که در صورت خروج اسرائیل از جنوب لبنان و توقف حملات ارتش اسرائیل به لبنان، حزب‌الله دیگر هیچ بهانه‌ای برای حفظ سلاح‌هایش نخواهد داشت. در واقع دولت لبنان به این نتیجه رسیده که وقتی تهدیدی نباشد چه نیازی به سلاح حزب‌الله است؛ بنابراین در چنین شرایطی می‌توان فشار بر حزب‌الله برای خلع سلاح را افزایش داد و حزب‌الله هم دیگر هیچ توجیهی برای حفظ سلاحش نخواهد داشت. چراکه یکی از استدلال‌های همیشگی نعیم

مشکل‌سازی نتانیا‌هو برای ترامپ

سوریه به عنوان کشوری که در گذرگاه قدرت‌های بزرگ‌تر قرار دارد در میانه رقابت این قدرت‌ها منگنه شده است. سرنوشت سوریه تبعات مهمی برای منافع امنیت ملی ترکیه و اسرائیل دارد. نیاز ترکیه این است که دولت جدید سوریه ثبات داشته باشد در حالی که نگاه اسرائیل، دولت جدید سوریه از دریچه تهدید است و معتقد است که دولت جولانی توسط یک گروه اسلام‌گرای بزرگ اداره می‌شود. برای ایالات متحده نیز دشوار است که ترکیه و اسرائیل که هر دو متحدانش هستند و دیدگاه‌های متفاوتی درباره سوریه دارند را مدیریت کند. روز ۲۳ جولای، پس از حملات اسرائیل به وزارت دفاع و کاخ ریاست‌جمهوری سوریه، وزارت دفاع ترکیه به درخواست دولت جولانی برای ارسال کمک‌های نظامی پاسخ مثبت داد. یک روز قبل، هاگان فی‌دان، وزیر خارجه ترکیه هشدار داده بود که کشورش در صورت مشاهده هرگونه تلاشی برای چندتکه کردن سوریه و تلاش هر گروهی برای تشکیل دولت خودمختار در این کشور، به‌طور مستقیم در سوریه مداخله خواهد کرد. در آمریکا، تام باراک، فرستاده ویژه دونالد ترامپ به سوریه که سفیر آمریکا در ترکیه نیز هست، در گفت‌وگویی با خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که دولت ملت‌های قوی و به‌خصوص کشور‌های عربی از نظر اسرائیل تهدید هستند. قبل از این، در تاریخ ۲۰ جولای، وب‌سایت اکسیوس به نقل از چند مقام کاخ سفید که نخواهند نامشان فاش شود، نوشت که کاخ سفید به‌شکلی جدی از تصمیم‌تانیا‌هو برای اقدام نظامی در سوریه ناراضی است. موفقیت اسرائیل در عقب‌راندن ایران از شامات عواقب ناخواسته‌ای ایجاد کرده است. خلأ قدرت استراتژیک در سوریه توسط گروه هیئت‌تحریرالشام که یک گروه اسلام‌گرای مسلح سنی است پر شده است. این گروه شالوده اصلی دولت محمد جولانی در سوریه است. به زبان ساده، تضعیف ایران و گروه‌های مسلح شیعه در شامات جهادگرایی سنتی را در این منطقه قدرت بخشیده است و اسرائیل تا اطلاع ثانوی هیچ راه فرار فوری از این محصنه ندارد. به همین دلیل است که ارتش اسرائیل یک منطقه حائل ۲۳۶ کیلومتر مربعی را در فراتر از بلندی‌های جولان در جنوب سوریه در استان قنيطرة ایجاد کرده است. هدف اعلامی از ایجاد این منطقه که از کوه هر‌مون تا مرز سوریه - لبنان در دره رودخانه یرموک در امتداد مرز اردن با سوریه و اسرائیل امتداد دارد این است که شمال اسرائیل از نفوذ و هجوم گروه‌های وابسته به دولت محمد جولانی محافظت شود. دولت جولانی اعلام کرده که به دنبال درگیری با اسرائیل نیست. علاوه بر این، اسرائیل و سوریه با میانجی‌گری آمریکا و امارات متحده عربی و دیگر کشورها نظیر جمهوری آذربایجان مشغول گفت‌وگو هستند. اما از نظر اسرائیل، قصد و نیت دولت جدید در سوریه و توانایی‌هایش برای اعمال تهدید علیه اسرائیل هنوز واضح و مشخص نیست. اسرائیل از طریق جامعه دروزی‌های خودش روابط نزدیکی با برخی از دروزی‌های سوریه دارد. دروزی‌های سوریه با تلاش‌های دولت جولانی برای اعمال حاکمیت دمشق در استان دروزی‌نشین سویدا به مخالفت برخاسته‌اند. در نتیجه وقتی که درگیری بین نیروهای جولانی و قبایل عرب متحدشد با دروزی‌های جدایی‌طلب استان سویدا درگرفت، اسرائیل به نفع دروزی‌ها مداخله نظامی کرد. ارتش اسرائیل حملاتی را علیه قبایل بدوی، نیروهای دمشق که در مسیر سویدا بودند و مراکز نظامی دولت سوریه در دمشق انجام داد. این اقدام موجب تنش بین اسرائیل و ترکیه که مهم‌ترین حامی دولت جولانی است، شد. بنابراین اگرچه اسرائیل و ترکیه هیچ تمایلی به درگیری با هم ندارند، اما دیدگاه‌هایش در خصوص سوریه با هم متفاوت است. از ماه آوریل تاکنون، سه دور گفت‌وگوهای کاهش تنش بین ترکیه و اسرائیل در باکو برگزار شده است اما این گفت‌وگوها هنوز نتوانسته اختلافات استراتژیک بین اسرائیل و ترکیه را کاهش دهد. آنچه که وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند این است که ایالات متحده و حتی کشورهای عربی نظیر امارات و عربستان سعودی نیز تمایل دارند که دولت جولانی در ایجاد ثبات در سوریه موفق شود. ترکیه و عربستان سعودی دوستون اصلی استراتژی دولت ترامپ برای مدیریت جهان عرب هستند. گام نخست در مدیریت وضعیت جهان عرب این است که سوریه از درگیری دور نگاه داشته شود و به سمت برقراری ثبات حرکت کند. این پیام زمانی ارسال شد که ترامپ با محمد جولانی در ریاض دیدار کرد و بن‌سلمان نیز در این دیدار حضور داشت و رحب طیب اردوغان هم به‌صورت ویدئوکنفرانس در این دیدار شرکت کرد. واشنگتن معتقد است که افزون اسرائیل به این ترکیب بسیار حیاتی است. آمریکا معتقد است تنها در این صورت است که سوریه می‌تواند از افتادن به سیاه‌چال جنگ داخلی ایمن باشد و به سرنوشت یمن و لیبی دچار نشود. اگر این هدف واشنگتن محقق شود، تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت کل منطقه خواهد داشت. اما مشکل این استراتژی، تا به اینجا کار، سرکشی اسرائیل و تکروری بنیامین نتانیا‌هو است.